

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۰۲۶۱۱۹۰۸۶۰ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۰۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸
آژیه‌ها: ۰۷-۶۶۲۶۵۰۷ -۹۱۲۳۵۸۳۲۹۳ • چاپ: مصمیم
تلفن: ۴۴۵۳۳۲۲۵

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۷ خرداد ۱۴۰۲ • ۸ ذی‌القعده ۱۴۴۴ • ۲۸ می ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۶۴ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۲ • اذان مغرب ۱۹:۳۳
اذان صبح فردا ۳:۰۸ • طلوع آفتاب ۴:۵۱

شترت

دیالوگ روز

۸۸ دقیقه - جان اونت- ۲۰۰۸

جک گرامن (آل پاچینو) ، من فهمیدم که گذشت زمان باعث التیام زخم نمی‌شه
با وجود این در بهترین حالت
دردش رو کم و کمتر می‌کنه

یادداشت

قصه تکراری، غصه تکراری



نسیم قاضی‌زاده

هنرمند خوب، هنرمند مرده است. هنرمندی است که درباره وقایع خاموش می‌نشیند، دم نمی‌زند تا با کسی شاخ‌به‌شاخ نشود. دم نمی‌زند مبدا واکنشی برانگیزاند. این تصویر مطلوب تنها هنرمند ما، بلکه انسانی است که در جامعه ما می‌زیذ. ربانی به نام انسان که اعتراض‌هایش می‌تواند در حد شارژ باتری‌اش برای بقا باشد. هر برنامه‌ای به او بدهند اجرا می‌کند، کوهر و کر است و بنایی برای آنکه بیش از برنامه سفارشی‌اش فهمی را رقم بزند، ندارد. از آن طرف هم ربانی که به برنامه‌هایش عمل نکند، ربان دورانداختنی است. ربانی است که نیازمند به‌روزشدن برنامه‌هایش یا جایگزین‌شدن با ربان‌های دلخواه است؛ حتی اگر سال‌ها خدمت کرده باشد. در آخرین فیلم مارتین مک‌دونا، «بنی‌های اینیشری» پیرمرد آهنگ‌ساز به دوست چوپانش که دیگر علاقه‌ای به ادامه دوستی با او ندارد، می‌گوید وقتی برای تلف‌کردن ندارد. پادریک با بازی کالین فارل در نقش چوپان سوآلی عمیق از دوست آهنگ‌سازش می‌پرسد که انسان خوب‌بودن مه‌جز است یا هنرمندبودن؟

حالا داستان تکراری و نخ‌نماشده ممنوع‌الکاری اهالی موسیقی هم شبیه به سؤل پادریک است. هنرمند در وهله اول، انسانی است که به ماجراهای اجتماع پیرامونش واکنش نشان می‌دهد و در وهله دوم هنرش را به کار می‌گیرد؛ اما ممنوع‌الکاری برای هنرمندان ایرانی شبیه سایه آتهاست. همیشه در معرض آن هستند. پایشان را کج بگذارند ممنوع‌الکار می‌شوند، بدون آنکه روح‌شان هم از ماجرا خیر داشته باشد. خیر ممنوع‌الکاری‌شان را به طرق مختلف و زیرزمینی می‌شنوند. تصمیم می‌گیرند کنسرتی برگزار کنند؛ آن‌هم با خواش وزیر مملکت، اما ناگهان به مشکل برمی‌خورند! چون ماهیت کارشان از برگزاری کنسرت گرفته تا انتشار قطعات و آلبوم، به داشتن مجوز برمی‌گردد، همیشه گردن‌شان زیر ساطور است. همان وزارتخانه‌ای که دو ماه پیش از هنرمندان خواست تا لطف کنند و به صحنه بیایند، خودش کمیته‌ای را به نام «کمیته پیگیری وضعیت چهره‌ها» تشکیل داد که هنرمندان معترض را ممنوع‌الکار اعلام کرد؛ آن‌هم نه به صورت مدون و مشخص و قانونی، بلکه به شکل موردی، هرکدام از هنرمندان با این مقوله مواجه شدند. رضا صادقی، محسن یگانه، بابک جهانبخش، امید حاجیلی و امیر مقاره خواننده مالکان‌بند، در میان آن‌ها ایستادی بودند. خوانندگانی که تمام عمر هنری‌شان را در این مرزوبوم سبیری کرده‌اند.

در واقع حلال‌یک کمیته به سبک کمیته‌های دهه ۶۰ که اگر کسی در ماشینش نوار روشن می‌کرد، به وجود آمده که طبق گفته محمد الپهاری، مدیرکل دفتر موسیقی وزارت ارشاد، واکنشی «بدیهی» به فعالیت موسیقی برخی از هنرمندان نشان می‌دهد. دلپیش چه بوده؟ اعتراض. علاج‌ش چیست؟ مراجعه هنرمندان به دفتر موسیقی معاونت هنری وزارت ارشاد. نام این اتفاق چیست؟ به گفته او «در هر بره زمانی ملاحظه‌ای وجود داشته باشد، با خواننده و تهیه‌کننده مربوطه در میان گذاشته خواهد شد.» همین‌قدر عجیب‌وغریب و!.. هر زمانی هر واقعه‌ای خلاف خواسته ما پیش بیاید، کارتان پیش ما گیر است. از کجا بفهمیم واقعه خلاف خواسته شما چیست؟ پیش که بیاید به شکلی که خودمان می‌دانیم خردار می‌شوید! اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هم حلا بعد از گذشت از هفته از انشاز خیر ممنوع‌الکاری خواننده‌ها و واکنش آنها به این اتفاق، به‌تازگی گفته است این موضوع را باید شبکه رسانه‌ای ما بررسی کند که چطور امکان دارد تصمیمی که گرفته نشده رسانه‌ای می‌شود! این موضوعات مقررات خاصی در وزارتخانه دارد و بررسی آن بر اساس ترتیبات روشنی صورت می‌گیرد و اگر مشکلی باشد به افراد اعلام می‌شود. بعد هم ادامه داده که در موضوعات این‌چنینی مخفی‌کاری وجود ندارد. در آخر صحبت‌هایش هم گفته عده‌ای از آرامش ناراحت هستند و نان‌شان در ایجاد التهاب است و از اساس این‌شایعه‌سازی‌ها را رد کرده است. این در حالی است که رضا صادقی که به نظر می‌آید طبق نظر وزیر آدم آرامی نیست و همه این سال‌ها در جست‌وجوی التهاب بوده است، بعد از مواجهه ناگهانی با ممنوع‌الکاری‌اش گفت: «وقتی یکباره به هنرمندی که بیش از دو دهه با پذیرش همه کمبودها و سلیقه‌های عجیب باز هم به فعالیت خود ادامه داده، اعلام می‌شود که ممنوع‌الفعالیت شده و برای کنسرت اعلام‌شده و مجوزدار سمنان، سایت بلیت‌فروشی او بسته می‌شود، دیگر چه باوری برای تولید هنر در او باقی می‌ماند؟ اصولاً واژهای به اسم «ممنوعیت» در شان هنر نیست.» خواننده نارآرام دیگر امید حاجیلی هم صریحاً ممنوع‌الکاری‌اش را تأیید کرده و امیر مقاره هم که علاوه بر ممنوع‌الکاری، ممنوع‌الخروج نیز شده است. اما بخش دیگری از گفته‌های وزیر صریح‌تر است. او فخر هنر موسیقی را در «سلام فرمانده» می‌داند و واضحاً اعلام کرده است که این اثر جهانی شده و نمونه یک اثر فرهنگی ملی‌فاخر است. در ادامه صحبت‌هایش هم از پرهیز از پرداختن به حواشی در رسانه‌ها و فضای مجازی، تسهیل و تسریع در فرایندهای پاسخ‌گویی و گفت‌ووبرای تکریم هنرمندان و رفع سوءتفاهم‌ها و افزایش نشاط هنری و اجتماعی صحبت کرده است که هرکدام از این عبارات برای اهالی هنر، سال‌هاست که تبدیل به لطفیه‌هایی شده‌اند که به‌سختی می‌توان به آنها خندید. علی‌ای حال قصه تکراری، غصه تکراری دارد. برویم سراسر کنسرت‌های موجود و خواننده‌های غیرممنوع‌المرور که دارد نشاط هنری و اجتماعی‌های دیر می‌شود، بی‌شود… بشتابید…



◆ نخستین دوره مسابقات دوچرخه‌سواری کوهستان کراس کانتری کلاس دو جهانی جام ژئوپارک در منطقه آزاد ارس شهرستان جلغای آذربایجان شرقی برگزار شد.
عکس:علی حامد حق دوست، ایرنا

چه کسی مسئول صیانت از حقوق عمومی است؟

۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۸ در ماده ۳ به دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان اجازه می‌دهد در صورت تحصیل مال از طریق نامشروع از طریق سوء‌استفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی و مانسد آنها (موضوع ماده ۴ قانون فوق‌الذکر) که مطابق تبصره ماده ۴، مشمول استفاده ناروا و من غیر حق یا موقعیت شغلی است، حتی اگر در گذشته رسیدگی و منجر به صدور قرارهای موقوقی یا منع تعقیب یا رای برائت از سایر مراجع شده باشد (ماده ۹ همین قانون)، موضوع را تحت پیگیری قرار دهد.

ملاحظه می‌شود که اختیارات گسترده‌ای به دادستان داده شده تا بتواند از حقوق عامه صیانت و حفاظت کند. اما چرا دادستان نتوانسته در برخی موارد برخورد مناسبی با این موضوع داشته باشد و به تعبیر رهبر انقلاب، فساد تبدیل به «ازد‌های هفت‌سر» شده است؟ بگذریم که بسیاری از آگاهان عرصه شهور، منطقه، محله و صنف را در معرض آسیب یا خطر قرار می‌دهد یا موجب فوت منفعت یا تضرر یا سلب امتیاز آنان می‌شود، از قبیل آزادی‌های مشروع، حقوق زیست‌محیطی، بهداشت و سلامت عمومی، فرهنگ عمومی و میراث فرهنگی، انفال، اموال عمومی و استانداردهای اجباری». قانون اساسی دوم، برخی نهادها به شکل مستقیم یا غیر مستقیم در امور مربوط به دادستان دخالت می‌کند.

سوم، در رویه قضائی حاکم، دادستان دارای قدرت اجرائی و قضائی لایبی نیست.

پنجم، سایر نهادها از جمله سازمان بازرسی در موارد حساس در امورات مربوط به دادستان مداخله کرده. اثر کار دادستان را کم‌رنگ می‌کنند.

ششم، کشف جرائم مرتبط با حقوق عامه، دارای پیچیدگی خاصی است و در بسیاری از موارد، دادستان قادر به کشف جرم نیست. هفتم، مراجعی که در موضوعات خاص، ضابط دادگستری و زیر نظر دادستان هستند، درصد کمی از پرونده‌های مرتبط با تعدی به حقوق عامه را به دادستان گزارش می‌کنند.

هشتم که به نظر نگارنده شاید مهم‌ترین عامل عدم توفیق دادستان در صیانت از حقوق عامه در باور عموم قلمداد شود، نقش کم‌رنگ مردم که ذی‌نفع اصلی حقوق عامه هستند در فرایند مبارزه با مفاسد و تعدیبات به حقوق عامه است. نهم، عدم امکان دسترسی آزاد به اطلاعات است. این مسئله از آن جهت شسایان توجه است که ضمانت اجرای نقض قانون حق دسترسی آزاد به اطلاعات، شدیداً ضعیف و در حد جریمه ۲۰۰ هزار تومانی است! این امر موجب می‌شود مدیران نهادها، سازمان‌ها و مؤسسات عمومی، مانع چرخش آزاد اطلاعات در میان مردم شوند.

نادیده‌گرفتن قدرت عظیم مردمی در مبارزه با مفاسد اقتصادی-سیاسی و تیزر جایگاه آنها در حد گزارشگر جرم، سبب

گزارش خوانی

اجرای پزشکی خانواده و نظام ارجاع در محاق

نیاز به تقویت مراقبت‌های بهداشتی اولیه و توسعه برنامه پزشکی خانواده به‌عنوان

راهبردی جهانی در نظام سلامت، با توجه به بیماری‌های ایدمیولوژیک، تغییر ماهیت بیماری‌ها و افزایش امراض مزمن، بیشتر از همیشه احساس می‌شود.

سازمان جهانی بهداشت می‌گوید اجرای برنامه پزشکی خانواده، مبنایی برای بهبود کیفیت و برابری در سیستم مراقبت‌های بهداشتی کشورهاست و به همین دلیل در دهه‌های اخیر، این برنامه به یکی از مهم‌ترین اصلاحات توسعه‌ نظام سلامت در جهان تبدیل شده است. اما باید دید این موضوع در کشورمان در ۱۹ ساله که از عمر طرح نظام ارجاع می‌گذرد، تا چه اندازه مورد توجه قرار گرفته است.

طرح پزشکی خانواده و نظام ارجاع در ایران، از ابتدای سال ۸۴ در مناطق روستایی و شهری زیر ۲۰ هزار نفر آغاز شد. طرحی که هم در قوانین برنامه توسعه کشور آمده و هم اهمیت اجرای آن از سبوسی مسئولان مختلف در سال‌های متمادی پشت‌ترپبون‌ها بیان و هرازگاهی بخشی از آن به‌عنوان زیرساخت‌های مورد نیاز تحول در نظام سلامت، اجرائی شده؛ اما با تغییر دولت‌ها و وزرای بهداشت، برنامه‌های اجراشده قبلی، تضعیف یا در بهترین حالت، در همان وضعیت متوقف شده‌اند.

با این حال، مجلس در اسفند سال گذشته، وزارت بهداشت را به اجرای برنامه پزشکی خانواده و نظام ارجاع در سه سطح یک، دو و سه در تمام جاری مکلف کرد و از همان ماه‌های آخر سال ۱۴۰۱ با پوشش جمعیت شهری و روستایی زیر ۲۵ هزار نفر که ۳۰ میلیون



شبکه‌خوانی

ویداربانی و پیشنهاد به روان‌شناسان



ویداربانی، روزنامه‌نگار که در زندان اوین به سر می‌برد و چندی نیز در بیمارستان طالقانی برای بررسی دلیل سردردهایش بستری شده بود، به‌تازگی نامه‌ای سرگشاده منتشر کرده و به افشای اطلاعات خصوصی درمانی خود اعتراض کرده است. میزان در خبری اعلام کرد که ویدا ربانی، «سابقه استفاده از داروهای اعصاب و روان دارد و در زندان اوین توسط پزشک متخصص اعصاب و روان معاینه شده است.»

ویدار ربانی در این نامه به تشریح وضعیت جسمانی، اتفاقاتی که این مدت پشت سر گذرانده و… می‌پردازد و همچنین به نحوه انتشار اطلاعات پزشکی اعتراض کرده است. او در تشریح وضعیت جسمی‌اش نوشت: «طی چهار ماه گذشته که من روزها با سردرد بیدار شده و شب‌ها به این امید خوابیده‌ام که صبح فردا بدون سردرد بیدار شوم، انواع و اقسام پزشک و گمان‌ها را پزشک‌های ششما درباره سردرد من زده‌اند و دارو هم تجویز کرده‌اند! از سینوزیت تا میگرن، بالاقرتن شماره چشم، کلسترول بالا، نکشیدن ندان عقل و… همین هفته گذشته پزشک ششما می‌گفت وقتی چهار ماه است که سردرد داری و اتفاقی نیفتاده، یعنی مسئله نیازی به رسیدگی اورژانسی ندارد.» او در بخشی از نامه نوشته است: «طی چهار سال چهار بار مرا در خانه‌ام بازداشت کرده‌اید، طوری که هر زنگ در خانه مرا از ج‌سا می‌پراند. می‌دانید بازداشت، انفرادی، بلاتکلیفی، بی‌خبری و… چه شکنجه آسیب‌زننده و در عین حال نامرئی است.»

این روزنامه‌نگار در بخش دیگری از نامه‌اش اشاره کرد: «من شرمی ندارم که بگویم روان من آسیب دیده و داروهای اضطراب و افسردگی مصرف می‌کنم، این شرم‌آور نیست.»

او همچنین درباره این روند افشایی اطلاعات پزشکی در بخشی از نامه‌اش اشاره کرده است: «کاش حداقل انجنم‌های روان‌پزشکی و روان‌شناسی به زیربازگداشتن پروتکل‌های شغلی خود اعتراض کنند». این روزنامه‌نگار همچنین این سؤال را پرسیده که اگر بنا باشد دیگر در اتاق درمان بیمار نتوانند همه حرف‌هایش را بزنند، چه اتفاقی می‌افتد؟

ویدار ربانی روزنامه‌نگار آزاد و فعال مدنی است که همکاری با روزنامه «شوق» و هفته‌نامه صدا را در کارنامه خود دارد. این روزنامه‌نگار در دوم مهرماه ۱۴۰۱ بازداشت شده و دادگاهش در ۲۹ آذر تشکیل شد. دهم دی‌ماه علی مجتهدزاده، وکیل این روزنامه‌نگار، اعلام کرد که او به تحمل شش سال حبس بابت اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» و ۱۵ ماه حبس دیگر بابت اتهام «تبلیغ علیه نظام» محکوم شده است.

روز دوشنبه اول خرداد نیز حمیدرضا امیری هسمر این روزنامه‌نگار در صفحه شخصی خود نوشته بود: «پرونده دوم ویدار ربانی بنا به ابلاغی که در زندان صورت گرفت، مشمول عفو شده است.»

خانواده و نظام ارجاع، مذاکرات با وزیر بهداشت و برخی مسئولان این وزارتخانه به نتیجه نرسید و قرار است در آینده، مجلس جلسه‌ای کارشناسی در وزارت بهداشت برگزار کند و اشکالات این طرح را به مجریان آن گوشزد کند. یکی دیگر از شاینه‌ها کمبود نیروی حاذق و اجرای این طرح با به‌کارگیری کارآموزان به‌جای پزشکان عمومی است. مصطفی رضایی، رئیس مرکز مدیریت شبکه وزارت بهداشت اما می‌گوید: ما برنامه جذب نیروهای زیرپزشکی را داریم و قرار است به ازای هر سه هزار نفر، یک مراقب سلامت بگیریم. مراقب سلامت شامل یک کارشناس مامایی و یک پرستار یا کارشناس بهداشت عمومی خواهد بود و اگر نیاز به ارجاع باشد، این مراقبین افراد را به پزشک خانواده ارجاع خواهند داد.

در ایران هیچ سیستم اعتبارسنجی برای پزشکان خانواده وجود ندارد و اگر نسخه الکترونیک را فاکتور بگیریم، هیچ سیستم ثبت الکترونیک جامعی در نظام سلامت کشور وجود ندارد که سطوح مختلف اجرای برنامه‌های سلامت، به آن متصل باشند.

حال باید دید پس از این‌همه فراز و فرود، آیا کشتی به‌گل‌ننشته برنامه پزشک خانواده به ساحل نجات می‌رسد و دولت سیزدهم یکی از مهم‌ترین برنامه‌هایش که جمعیت ۵۵ میلیون نفری را شامل می‌شود، اجرائی خواهد کرد تا در نهایت آحاد جامعه نسیم عدالت در نظام سلامت را حس کنند و بدون پرداخت هزینه‌های اضافی از مزایای مانند معاینات رایگان دوره‌ای و پیگیری وضعیت سلامت، ثبت سوابق بیماری، دسترسی سریع و شبانه‌روزی به خدمات سطح اول و ارائه رایگان خدمات بهداشتی درمانی بهره ببرند.